

فیض مردمی



نویسنده: خارنوال نجلا تیموری
عضو هیئت رهبری انجمن، عضو
بورد نشراتی و مجری تلویزیون حقوق

از روزی که خود را شناختم، جنگ و صلح اصطلاحات هستند که ذهنم را به خود مشغول ساخته است. جنگ‌های چهل ساله وطن ما، جنگ عراق و ایران، جنگ یوگوسلاوی، جنگ‌های بهار عربی، جنگ سوریه، جنگ روسیه و اوکراین.. و بالاخره در کدام گوشه‌ی کره زمین نیست که خون انسانی در جنگی نچکیده باشد. جالبتر اینکه، همه گروه‌های متخاصم و طرفین درگیر جنگ (چه متهاجم و چه هم مدافع) هر کدام برای توجیه "اخلاقی و عادلانه" بودن شان در جنگ کوشیدند. پرسشی که در این رابطه خلق میشود اینست که، جنگ‌ها با همه ویرانگری‌های که به بار می‌آورد، آیا میتواند "اخلاقی و عادلانه" باشد؟ مگر نشنیده ایم که گفتند "در جنگ حلوا پخش نمی‌شود؟" اصلاً "جنگ عادلانه" چیست؟

جنگ، آنطوری که فیلسوفان گفتند، پدیده‌ی طبیعی است که در وجود هر انسان ریشه دارد که از گذشته‌های دور بشر آغاز و تا آینده‌های دور با آن مواجه خواهند بود.

جنگ با آنکه یک عمل زشت، منحوس و ویرانگر تلقی میشود، زمینه‌های شگوفایی را در میدان علم، پیشرفت تمدن و فرهنگ‌ها فراهم آورده، حتی سبب شده تا محرومان و ستمدیدگان به پا خیزند و برای حقوق از دست رفته شان دست به سلاح ببرند که همین مسئله را "مشروعیت جنگ" یا "جنگ عادلانه" می‌نامند.

نظریه‌ای "جنگ عادلانه" تاریخ طولانی دارد و حتی در بخش‌های کتاب مقدس به علل و دلایل عادلانه بودن آن اشاره شده است. اما از زمان حملات تروریستی یازده سپتامبر نظریه‌ای "جنگ عادلانه" موضوع شایع‌تر از هر زمان دیگر شده که توجه کارمندان علوم سیاسی، نظامی و حقوقدانان را بیش از پیش معطوف ساخته است.

اگر چه بحث حقوقی "جنگ عادلانه" بسیار وسیع و گسترده است و بیشتر در دادگاه‌های بین‌المللی، مثلاً - کنوانسیون‌های ژنو و لاهه به تخطی‌ها، موازین و موارد حقوقی آن پرداخته میشود، ولی اگر اجازه داشته باشم که

کوتاه اشاره ی به " جنگ عادلانه " کنم، جنگ های عادلانه با آغاز تهاجم ناعادلانه بالای کشوری، ملتی، گروهی (حتی شخصی)، که مرز های خاکی، نقض عدالت اجتماعی، عزت، شرف، غرور، حقوق، حریم خصوصی و غیره آنها مورد تهاجم صورت گیرد، در آنصورت دفاع از خودشان در برابر مهاجم عقلاً و (حقاً!) یگانه دلیل کافی برای هدف "جنگ عادلانه" است.

گر چه جنگ ها چه عادلانه چه ناعادلانه، چه تهاجمی چه تدافعی هر نوعش نامیمون و ناخجسته است و بازنده؛ اما به قول «آئلیوس آریستیدس» فیلسوف یونان باستان که میگوید:

جنگ تهاجمی ناعادلانه است، جنگ تدافعی هم از آن جهت که تحت اجبار است، ننگین است. چون اراده و تصمیم ذاتاً با اجبار ناسازگار است، اما آنکه تحت اجبار عادلانه عمل میکند، بهتر است از آنکه به خواست و اراده خود تجاوز میکند.

بر گردیم به وطن خود ما، آنطوری که در بالا صحبت از "جنگ عادلانه" آمد، آیا جنبش های آزادیخواه، خیزش های مردمی و بخصوص در این اواخر تظاهرات و دادخواهی زنان برای آزادی، نان، کار، علیه مزدوران و اجیرانِ کارتل ها، کنسرن ها و شرکت های بزرگ صنعتی جهان که با نام های (جهادی، طالب، داعش، تحریر و فاطمیون..) عرض اندام کردند جنگ عادلانه نیست؟ یا اینکه جنگ ها چه اخلاقی، چه مشروع، چه عادلانه و چه هم غیر عادلانه، از هر نوعش توجیه پذیر نیست و نباید بوقوع بپیوندد؟

شما چه فکر میکنید؟

به امید روزی که هیچ جنگی تحت هیچ نامی نباشد و صلح و آرامش بر تمام کره زمین مستولی شود!.